



شاید مبحثی که قصد مطرح کردن آن را در قالب یک یادداشت یک صفحه‌ای دارم، می‌توانست موضوع یک پرونده ویژه یا حتی یک شماره کامل ماهنامه باشد؛ زیرا وجوه بسیار گوناگونی دارد و به شکلی بسیار آرام و بدون سر و صدا در حال نفوذ در لایه‌های زندگی ما است. نترسید. درباره موجودات عجیب و غریب حیات وحش صحبت نمی‌کنم، بلکه صحبتیم درباره «داده»ها است. همین داده‌های ساده و دم دستی: نام، نام خانوادگی، شماره تلفن، کد ملی، نشانی منزل و بسیاری دیگر از داده‌ها که آن‌قدر اخذ کردن آن‌ها از سوی هر سازمان و اداره و مؤسسه مالی و بانکی مرسوم شده است که اگر فردا یک واکسی نیز آن را از شما بخواهد، به وی خواهید داد.

وجه نخست این داستان بحث داده‌های بزرگ است. داده‌های بزرگ در دنیا مسئله‌ای بسیار جدی است. تعداد شرکت‌هایی که در سال‌های گذشته وارد این عرصه شده‌اند چه در داخل و چه در خارج از کشور، بسیار فراتر از حد انتظار بوده است. مفاهیم، واژه‌ها و ابزارهای بی‌شماری در این حوزه خلق شده‌اند که «دانشمند/ محقق داده»، اگر آن را معنایی درست برای Data Scientist بپنداریم، «هادوپ»، «نو اس‌کیوئل» و بسیاری دیگر از این دست هستند. مشکلی برای ذخیره حجم مافوق تصور داده وجود نداشته و داده‌کاوی میان این داده‌ها و استخراج هرگونه اطلاعاتی از آن با ابزارها و دانش موجود بسیار سهل‌تر از گذشته است. خواه این اطلاعات میزان علاقه شما به یک کاندیدای ریاست جمهوری یا تشخیص میزان علاقه شما به هر یک از گجت‌های معرفی شده در کنفرانس اخیر اپل از روی تعداد ضربان نبض قلب‌تان باشد. در وهله نخست، اتفاقی که در حال رخ دادن است بسیار جذاب و هیجان‌انگیز است. برای مثال، شما اطلاعات، علایق و برخی اطلاعات دیگر خود را در اختیار یک سایت قرار می‌دهید و آن سایت متناسب با روحیات شما تبلیغاتی را به شما نشان می‌دهد که حدس می‌زند برای‌تان مفید باشد. چه چیزی می‌تواند بهتر از این باشد که همین طور که مشغول کار هستید، یک کتاب خوب نیز با تخفیفی عالی برای مطالعه به شما پیشنهاد شود؟ این یک داستان بسیار قدیمی و تا حدی کلیشه‌ای است که همه ما آن را بارها خوانده و شنیده‌ایم، اما برای لحظاتی تصور کنید این داده‌های جمع شده در دستان تبه‌کاران، هکرها، اسپرها و... قرار گیرد. حالا چه احساسی دارید؟! این یک پیش‌بینی نیست، اتفاقی است که افتاده است. کم‌تر از یک ماه پیش، یک سایت پر بیننده مورد هجوم هکرها قرار گرفت و تمام اطلاعات کاربران آن به سرقت رفت. فارغ از بحث‌های اخلاقی پیرامون کار این سایت که ارتباطی به بحث ما ندارد، تاکنون خودکشی دو نفر مرتبط با اطلاعاتی که از این سایت درز کرده، ارزیابی شده است. مثال دیگری از این دست، نفوذ و سرقت داده‌های خطوط هوایی امریکا در اوایل ژوئن امسال بود که عنوان «بزرگ‌ترین دزدی اطلاعات از دولت در تاریخ امریکا که کشف شده» را به خود اختصاص داد. مثال دیگر، کدهایی بود که در ایران توسط کارمند سابق یک شرکت خدمات بانکی منتشر شد و حاوی اطلاعات رمز کارت کاربران ایرانی بود. حال پرسش اصلی این است که در اختیار داشتن اطلاعات شهروندان چه منفعتی می‌تواند برای هکرها یا دولت‌ها داشته باشد؟

شاید ارسال اسپم، مهندسی اجتماعی کاربران برای اخذ اطلاعات بسیار حساس‌تر یا شناسایی اهداف با پتانسیل جاسوسی تنها بخش کوچکی از تمام کارهایی باشد که می‌توان با چنین داده‌هایی انجام داد. زیرا وقتی من علایق شما را بدانم، به راحتی می‌توانم با یک پیشنهاد هیجان‌انگیز خرید کوپن تخفیف، به سایتی مخرب هدایتان کنم و اطلاعات بسیار حساس‌تری را از شما به سرقت ببرم یا با پیوست کردن عکس‌های فلان هنرپیشه، سوژه علاقه‌مند به اخبار زرد را ترغیب به دانلود و اجرای برنامه‌ای کنم که تمام شبکه وی را به روی من می‌گشاید! واقعیت آن است که نمی‌توان دریافت برای جامعه‌ای که آمار ضد و نقیض آن حاکی از سرانه مطالعه 12 دقیقه است و در نتیجه به همین

مقدار، میزان یادگیری آن پایین، چگونه باید ارزش داده‌هایش آموزش داده شود تا بداند باید از آن محافظت کند. کد ملی، شماره کارت‌های بانکی، شماره تلفن، نشانی محل سکونت، مسیرهای رفت و آمد و بسیاری از اطلاعات دیگر که ما با سرویس‌هایی همچون نقشه‌های گوگل، کانتکت گوگل و هر سرویس دیگری به اشتراک می‌گذاریم، به شرط اعتماد کامل به آن شرکت‌ها - که نباید داشته باشید - همواره در معرض به سرقت رفتن توسط گروه‌های دیگر هستند. پس دست‌کم باید همواره به این موضوع توجه داشته باشید که هر اطلاعاتی را به هر میزان که یک سایت یا سازمان یا مغازه از شما درخواست می‌کند، با وی به اشتراک نگذارید و بدانید برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای قوانین مشخصی وجود دارد و هر اداره و سازمانی حق دریافت هر نوع اطلاعاتی را از شما ندارد. پس حواستان را در ارائه اطلاعات خود به سرویس‌ها و موضوعات دیگر جمع کنید؛ زیرا همان طور که اگر فرصتی مهیا باشد، در شماره بعد وجوه دیگر این رخداد عجیب و غریب را که با راه افتادن ناوگان «اینترنت اشیا» پدید آمده است با شما در میان خواهیم گذاشت و خواهید دید همین حالا نیز آن‌قدر اطلاعات و تحلیل از شما در فضای وب وجود دارد که خودتان نیز خودتان را تا این اندازه نمی‌شناسید.

تاریخ انتشار:

12 مهر 1394

نشانی منبع: <https://www.shabakeh-mag.com/opinion/1806>